

دانش آموزان منطقه ۱۱، در سال تحصیلی جدید برای گرامیداشت شهدای مدرسه شجره طیبه دور هم جمع می شوند

دوست شهید مینابی ام، به یادتم

عیدگاه

مدرسه امام حسن (ع)، می گوید: همه بچه هایی که کار را قبول کرده اند، بدون هیچ دستوری از طرف معلمان، کارها را انجام می دهند. در قبال ظلم بزرگی که آمریکای جنایتکار به دانش آموزان کشور ما کرده، بهترین اقدام این است که یاد و خاطره آن ها را زنده نگه داریم.

سیمافرخ، دیگر دختر دانش آموز است که تصاویر دانش آموزان شهید میناب را روی تخته شاسی چاپ کرده و به این برنامه آورده است. او می گوید: وقتی در مدرسه بچه ها تقسیم کاری می کردند، چون پدرم آتلیه دارند، من چاپ عکس را قبول کردم. وقتی هم به ایشان گفتم، گفتند کار خیلی خوبی کردی و تصاویر این شهدای عزیز و مظلوم را با هم آماده کردیم.

● خدمت به ایران، به یاد شهدای میناب

برنامه یادواره شهدای مدرسه میناب که از هفته اول مهر در منطقه ۱۱ آغاز شده است، تا پایان آبان و با مشارکت ۶ مدرسه دیگر ادامه خواهد یافت؛ مسیری که طی می شود تا دانش آموزان بیش از ماه های اخیر با ابعاد این جنایت آشنا شوند و هر کدام یک راوی باشند برای بیان مظلومیت شهدای مدرسه شجره طیبه میناب. معلمان و مدیران و کارشناسانی که در این برنامه سخنرانی می کنند و همچنین محتواهای تصویری ای که پخش می شود، همه در این راستا تهیه می شود که دانش آموزان در این مسیر وظیفه خود را بدانند و قطعا که بهترین اقدام، درس خواندن و تلاش برای توسعه و آبادانی ایران اسلامی است.

این رویداد فرهنگی در منطقه ۱۱ می گوید: روزی که این پیشنهاد در مدرسه و شهرداری منطقه مطرح شد، اول از همه معلمان استقبال کردند و بعد از آن هم دانش آموزانی که خبر را شنیدند، برای برگزاری پای کار آمدند.

این معلم ادامه می دهد: علاوه بر دانش آموزان شهید، ما به یاد ۲۶ معلم شهید میناب هم هستیم. آن ها که اگر دوباره حق انتخاب داشته باشند، مطمئناً کنار دانش آموزانشان می ایستند. ما هم اگر در این موقعیت قرار بگیریم، همین راه را می رویم.

● امور اجرایی با دانش آموزان

برای برگزاری نشست های یادواره شهدای مدرسه میناب در منطقه ۱۱، هماهنگی ها را معلمان و مدیران پیش می برند و امور اجرایی را خود دانش آموزان، رؤیا حسینی، یکی از دانش آموزان

بهشتی، در ورودی سالن، تصاویر چند کودک قرار گرفته است: تصاویر کودکانی که ابتدای مهر سال گذشته، مثل همه دانش آموزان ایران، سال تحصیلی را آغاز کردند اما اسفند ماه با فرود آمدن موشک های آمریکایی وسط کلاسشان، پر کشیدند. حالا تصاویر این دانش آموزان شهید، در ورودی سالن فرهنگ سرای ترافیک نصب شده است و دوستان دانش آموز آن هادر شهر مشهد و منطقه ۱۱ به یادشان هستند. برنامه یادواره شهدای مدرسه شجره طیبه میناب از دو هفته قبل با حمایت معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه ۱۱، همکاری فرهنگ سرای ترافیک و کانون شهدای ماه و مشارکت تعدادی از مدارس دولتی و غیردولتی منطقه آغاز شد.

● ما هم راه معلمان میناب را می رویم

سایه جنگ کم رنگ شد، نوروز گذشت، تعطیلات سپری شد و تابستان تمام شد. اما هیچ چیزی یاد و خاطره اسرا، حنا، آرشا، ماکان، همایون و بقیه شهدای مدرسه میناب را از ذهن جامعه ما و به خصوص دانش آموزان کشورمان پاک نکرد. به همین دلیل است که از همین ابتدای سال تحصیلی، بچه های مدارس منطقه ۱۱ به فکر برپایی یادواره شهدای مدرسه شجره طیبه میناب افتاده اند و برای همه امور پای کار هستند. از ابتدای سال تحصیلی تا کنون بیش از پانصد دانش آموز از مدارس امام حسن مجتبی (ع)، شاهد و شهید غلامی، در جلسات جداگانه، برنامه یادواره شهدای دانش آموزان تدارک دیده اند. مرضیه نجفی، معلم دوره متوسطه، درباره



دختر کاراته کار محله چهاربرج با وجود آسیب دیدگی از ورزش کنار نکشید

ادامه دادن روی تاتامی

امید محله

حرفه ای ادامه می دهند.

● بهترین هدیه ورزشی که دریافت کرده ای، چه بود؟

بهترین هدیه را از پدرم گرفتم که یک کیسه بوکس بود. هر روز در خانه با آن تمرین می کنم. این کار در افزایش توان و آمادگی جسمی ام تأثیر خوبی داشته است.

● هدف از ورزش چیست؟

دوست دارم بر سکوهای قهرمانی ورزش کشور و میادین بین المللی کاراته بایستم و این بزرگ ترین هدف زندگی ام است. برای آن هم تمرینات سخت و زیادی را شروع کردم.

● به نظرت در رسیدن به این هدف، اراده مهم تر است یا امکانات ورزشی؟

به نظرم اراده و تلاش برای ورزش، حرف اول را می زند. آن زمان که حین تمرینات دماغم شکست، خیلی ناامید شده بودم و تا چند ماه تمرین نداشتم اما با اراده و قدرت دوباره کاراته را شروع کردم.

● اوقات فراغت را چگونه می گذرانی؟

به نقاشی و خواندن کتاب علاقه زیادی دارم. به خصوص کتاب های ادبی و داستانی برایم خیلی جذاب هستند و هر فرصتی پیدا کنم، کتاب می خوانم.

● برای آینده ات، شغلی در نظر گرفته ای؟

رسیدن به سکوی قهرمانی برای من یک هدف بزرگ است؛ اگر خودم برسم که چه بهتر و اگر نه دوست دارم مربی شوم و شاگردانی را تربیت کنم که بتوانند به این مقام دست پیدا کنند.

گذشته ورزشکار بوده همیشه و در همه حال کنارم بوده و از هر لحاظ حمایت کرده است. خانم حوریه مجرد، مربی ام، هم حمایت و تشویقم کرده است.

● خاطره ای به یادماندنی از کاراته داری؟

در یکی از تمریناتی که در باشگاه داشتم، دماغم شکست و این اتفاق باعث شد که برای چند ماه از ورزش دور باشم. خاطره و اتفاق تلخی بود اما باعث نشد کم بیاورم یا بی خیال ورزش شوم.

● خودت مشوق کسی برای ورزش بوده ای؟

در جمع های خانوادگی دختر خاله هایم که شاهد تمرینات و تعاریف من از کاراته بودند، به این ورزش علاقه مند شدند و در باشگاه ثبت نام کردند و حالا



حسین برادران فرا هفت سال قبل ورزش کیوکوشین کاراته را با عشق و امید رسیدن به سکوهای موفقیت شروع کرد و در این مسیر از هیچ تلاشی سر باز نزد. ستایش عباسی، نوجوان شانزده ساله ساکن محله چهاربرج، در مسیر رسیدن به هدف خود و ایستادن بر سکوهای قهرمانی، آسیب های جسمی را مانع ادامه مسیر نمی داند و تلاش خود را ادامه می دهد.

● چطور شد که با ورزش کاراته آشنا شدی؟

از طریق یکی از دوستانم که به باشگاه می رفت، با این ورزش آشنا شدم و بعد از چند جلسه علاقه مند شدم و کیوکوشین کاراته را به صورت حرفه ای شروع کردم.

● به ورزش دیگری هم علاقه مند هستی؟

پدرم در جوانی فوتبالیست بود؛ به همین دلیل به این ورزش هم علاقه دارم اما شرایط و موقعیت پیگیری فوتبال به صورت حرفه ای هیچ وقت برایم فراهم نشد.

● در کاراته چه موفقیت هایی کسب کرده ای؟

معمولاً همیشه در مسابقات درون باشگاهی اول می شوم. همین باعث شده است راهی مسابقات ناحیه و استانی شوم و تاکنون در درجه نهمان سه مقام اول و دومی استانی و یک مقام سومی کشوری را به دست آورده ام.

● مشوق در این مسیر چه کسی بوده است؟

والدینم به خصوص پدرم، به این دلیل که خودش در